

جویبار نغمه

مجموعه آثار استاد غلامحسین بنان

شهرام آقایی پور



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری مآهور

تهران ۱۳۹۴

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: روزگار زندگانی
۶۳	عکس‌ها
۸۱	فصل دوم: آوازهای بنان
۸۳	۱. دستگاه شور
۱۰۳	۲. آواز بیاتِ تُرک
۱۰۹	۳. آواز ابوعطا
۱۱۷	۴. آواز افشاری
۱۲۵	۵. آواز دشتی
۱۴۵	۶. آواز بیاتِ کُرد (کُردبیات)
۱۴۷	۷. دستگاه نوا
۱۴۹	۸. دستگاه سه‌گاه
۱۶۷	۹. دستگاه همایون
۱۸۱	۱۰. آواز بیاتِ اصفهان
۱۹۵	۱۱. دستگاه چهارگاه
۱۹۹	۱۲. دستگاه ماهور
۲۱۳	۱۳. مرکب خوانی
۲۱۹	فصل سوم: ترانه‌های بنان
۳۵۳	نمایه‌ها
۳۵۹	فصل چهارم: نت ترانه‌های بنان

تولد دوباره

ساعت شش و چهل و پنج دقیقه‌ی شب جمعه هشتم اسفند ۱۳۶۴ دفتر عمر استاد بی‌بدیل هنرِ موسیقی ایران زنده‌یاد غلامحسین بنان در بیمارستان ایران مهر بسته شد. از اواخر سال ۱۳۵۷ بود که از دستگاه گوارش خویش می‌نالید. گذشت زمان، حوادث پیاپی، بیماری و یأس او را رنجور و شکننده کرده بود و در بهار هفتاد و چهارمین سالِ عمر رنج بیماری به بسترش کشاند. ناراحتی معده و نقرس از سال‌های دور همراهش بودند اما ناخوشی اصلی‌اش افسردگی بود. سال‌های خانه‌نشینی‌اش، مصادف با تحولات اجتماعی، جنگ و از دست دادن یاران دیرین، روح نازکش را سخت آزوده کرده بود و دیگر تاب و تحمل درد و رنج را نداشت. نوزده روز در بیمارستان بستری شد و دو روز آخر در اغما بود که جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. بنان خود تمایل داشت در کنار دوستانش صبا، خالقی، محجوبی، رهی و... در ظهیرالدوله آرام گیرد اما آنجا مدتی بود که دیگر میهمان نمی‌پذیرفت. یاران و بستگان هر یک پیشنهادی برای محل خاکسپاری‌اش دادند: از مقبره‌های خصوصی بهشت زهرا گرفته تا ابن بابویه و امامزاده عبدالله. اما همسرش قبرستان کوچک، با درختانی بلند در اطراف کرج را به یاد آورد که از پس سال‌ها در ذهنش نقش بسته بود. دو روز بعد در دهم اسفند - که از قضا آن سال نوبهار قدم پیشتر گذاشته بود - کالبد قنوس هزارآوای موسیقی و روایتگر تاریخ ما بر روی دستان محمدرضا شجریان، محمد موسوی، رضا سجادی و انبوهی از دوستدارانش رهسپار امامزاده طاهر کرج شد. از آن سال بود که امامزاده طاهر آرامگاه هنرمندان شد و تقدیر چنان بود که یاران باقی‌مانده‌ی بنان: خواهرش ملک‌الزمان، اسماعیل دیبا، قوامی، افتتاح، بدیعی، دفتری، پوران، دلکش و... در آنجا به او پیوندند.

با قصه‌ی پُرغصه‌ی مرگ بنان آغاز کردم زیرا در سال‌های سکوتش در جامعه‌ی بحران‌زده و شکاف‌یافته از فاصله‌ی نسل‌ها شهرتش اندکی غبار زمان گرفت و مرگش تولدی دوباره بود که دوره‌ای دیگر از شهرت و محبوبیت او را رقم زد؛ محبوبیتی که دوستدارانش این‌بار نوجوانان هشتادسال بعد از تولدش بودند.

زندگی و محیط خانوادگی

در اردیبهشت^۱ ۱۲۹۰ شمسی کریم بنان^۲ الدوله نوری صاحب هشتمین فرزند خود شد. از آنجا که مادرش قبل از تولد او، برای سلامتی اش نذر امام حسین (ع) کرده بود او را غلامحسین نامیدند.^۳ کریم بنان الدوله فرزند میرزا فضل الله خان وزیر نظام نوری^۴ کارمند مالیه‌ی ایران در دوره‌ی قاجار بود که به عنوان مستوفی خدمت می کرد. در سال ۱۲۷۱ شمسی دیوان استیفای خراسان به وی واگذار شد و مدتی نیز مستوفی کرمان بود. مادر غلامحسین، خانم شرف السلطنه، دختر شاهزاده محمدتقی میرزا رکنی (رکن الدوله)^۵ برادر ناصرالدین شاه، پسر محمد شاه قاجار بود. در دوره‌ی ناصری میرزا فضل الله خان در مجاورت حدیقه در اراضی سوهانک عمارتی را از روی نقشه‌ی کاخ شاه در سلطنت آباد ساخت و به نام پسرش کریم بنان الدوله آن را بنایه نامید. کریم مدتی در آنجا سکونت داشت ولی در دوران سختی مالکیت آن را از دست داد.^۶ سندی در آرشیو ملی ایران محفوظ است که نشان می دهد خانواده‌ی بنان الدوله در اواخر ۱۲۸۹ شمسی به زرگنده‌ی قلهک نقل مکان کرده‌اند.^۷ غلامحسین بنان در این محل متولد شده است. غلامحسین از وقتی که دیده به جهان گشود بخت با او یار بود زیرا از یک طرف آوای جان بخش پدر در گوشش طنین می افکند و از طرفی نوای الهام بخش پیانوی مادر مشغولش می داشت. پدرش صدای خوشی داشت اما به سبب موقعیت شغلی و طبقاتی از خواندن خودداری می کرد. دو تن از خواهرانش نزد درویش خان تار کار کرده بودند و سپس نزد مرتضی نی داوود به تکمیل هنر خویش پرداختند. می گویند وقتی درس های خواهران یادشان می رفت بنان با سوت و زمزمه دریشان را به آنها یادآوری می کرد.^۸ مادرش چون علاقه‌ی وی به موسیقی را دید در پنج سالگی مقدمات نواختن پیانو را به او آموخت و به روزی چند ساعت تمرین وادارش کرد. بعدها، علاوه بر مادر، گاهی اوقات سالار حاجبی (پسر سردار امنع) پسر خاله‌ی بنان نیز که بسیار خوب پیانو می نواخت تعلیماتی به او می داد.^۹ خاله‌ی